نقش زن در قيام عاشورا (2)

سيده ارغوان حيدرى

نقش زن پس از عاشورا

پس از واقعه تلخ عاشورا، رسالت سنگين بانوان كاروان حسينى آغاز گرديد. آنان با وجود شرايط سخت جسمى و روحى، مى‏بايست از انديشه و كلام و احساس يارى گرفته و با خطبه‏هاى پرشور خويش، مردمى كه در عمق نادانى به سر مى‏بردند را از حقانيت راه امام حسين(عليه‏السلام) و مظلوميت ايشان آگاه سازند و به رهبرى زينب(عليهاالسلام)، به نشر معارف اسلام و رساندن پيام شهيدان بپردازند تا اسلام را از هدم و زوال نجات بخشند. اين جاست كه به هدف والاى امام حسين(عليه‏السلام) از همراه نمودن زنان و كودكان، با خويش پى مى‏بريم.

شهيد مطهرى مى‏فرمايند: «... ابا عبدالله(عليه‏السلام) اهل بيت خودش را حركت مى‏دهد، براى اين كه در تاريخ رسالتى عظيم را انجام دهند. براى اين كه نقش مستقيمى در ساختن اين تاريخ عظيم داشته باشند، اما با قافله سالارى زينب، بدون آن كه از مدار خودشان خارج شوند، از عصر عاشورا زينب(عليهاالسلام) تجلى مى‏كند و از آن به بعد به او واگذار شده بود.»1

فعاليت‏ها و حماسه زن عاشورايى را پس از قيام، مى‏توان به دو بخش تقسيم نمود:

1- حماسه آفرينى زينب(عليهاالسلام)، در نهضت عاشورا

2- نقش و فعاليت ساير بانوان، در اين نهضت‏

حماسه آفرينى زينب (عليهاالسلام) در نهضت عاشورا

همان گونه كه مى‏دانيم، حفظ و نگهدارى يك نهضت و انقلاب، از انجام آن مهمتر است. حضرت زينب (عليهاالسلام) بعد از حادثه جانسوز دهم محرم الحرام سال 61 هجرى، پيام رساى خويش را از دشت خونين كربلا براى مسلمانان ابلاغ نمود و آن را براى هميشه در تاريخ، زنده نگاه داشت.

البته، حضور و نقش عظيم آن حضرت در نهضت كربلا، منحصر به بعد از قيام نيست، بلكه ايشان از ابتداى راه، حضورى فعال و تعيين كننده در انقلاب حسينى داشتند. هميارى حضرت زينب (عليهاالسلام) با امام حسين (عليه‏السلام) در انجام مسؤوليت‏ها را مى‏توان بزرگترين نقش آن حضرت، تا قبل از ظهر عاشورا دانست. آن حضرت به عنوان امين امام، بخش وسيعى از مسؤوليت‏ها و امور كاروان را بر عهده داشت، تا امام (عليه‏السلام) فرصت و فراغ بيشترى براى آماده سازى قيام داشته باشد.

اما اصلى‏ترين وظيفه حضرت زينب (عليهاالسلام)، بعد از ظهر عاشورا، متجلى مى‏شود. اگر نبود آن عالمه غير معلمه در كربلا، نه تنها انقلاب امام حسين(عليه‏السلام) دستخوش تحريف مى‏گرديد، بلكه اسلام نيز در معرض خطرى جدى قرار مى‏گرفت.

تبليغ پيام شهادت، سرپرستى قافله اسرا، پرستارى از امام سجاد(عليه‏السلام)، حفظ و حراست زنان و كودكان، و... مسؤوليت‏هاى سنگينى بود كه آن حضرت پس از قيام عهده دار بود.

سخنرانى حضرت زينب (عليهاالسلام)، در بارگاه ابن زياد و يزيد، آن چنان شورانگيز بود كه اركان حكومت اموى را به لرزه انداخت. سخنان پرشور او در تشريح اهداف انقلاب حسينى و بيان اوضاع اندوهبار روز عاشورا، دسيسه‏ها و جنايات رژيم را برملا نمود. روشنگرى‏هاى آن حضرت، توانست جامعه چشم و گوش بسته آن زمان را بيدار كند. پيامد تلاش‏هاى حضرت زينب(عليهاالسلام) انقراض حكومت اموى و جلوگيرى از اتلاف خون پاك شهداى كربلا، و در نتيجه، احياى مجدد اسلام بود.

آن حضرت در كوفه،2 شام 3 و مدينه 4، به افشاگرى بنى اميه اقدام نمود و چهره كريه‏شان را به مردم نشان داد؛ و اين خود قيامى ديگر شد، براى براندازى دستگاه فاسد خلافت.

خطابه‏هاى پرشور حضرت زينب (عليهاالسلام) هراسى عظيم در دل بنى اميه پديد آورد و به همين جهت، ايشان را به مصر تبعيد نمودند؛5 اما غافل از اين كه اين زن فصيحه بليغه پيام شهادت را به مصر نيز خواهد برد، و سرانجام، اين اسطوره صبر و ايثار در 15 رجب سال 62 هجرى، در تبعيد، به ملكوت اعلى‏ پيوست.6

گر چه زينب(عليهاالسلام) اندكى بيش، پس از واقعه جانسوز كربلا زندگى نكرد، ولى در همين مدت اندك، كنگره‏هاى كاخ ستم را فرو پاشيد، و پيام عاشوراى امام حسين(عليه‏السلام) را تا ابد ماندگار كرد.

نقش ساير زنان پس از قيام‏

غير از زينب(عليهاالسلام)، عده ديگرى از زنان نيز بودند كه به رهبرى و مديريت حضرت(عليهاالسلام)، كارهاى تبليغى و فرهنگى بسيارى پس از حماسه عاشورا انجام دادند كه تأثير زيادى بر جامعه آن روز داشت و چه بسا اثرات آن تا به امروز ادامه دارد.

نقش آفرينى زنان را پس از قيام عاشورا، از دو بعد عمل و گفتار، مى‏توان مورد بررسى قرار داد:

1- نقش عملى زنان پس از قيام عاشورا

بعد از به پايان رسيدن جنگ، زنان در عرصه عمل، نسبت به فاجعه‏اى كه از سوى دستگاه غاصب يزيد بر امام حسين(عليه‏السلام) و يارانش وارد شده بود را به شدت محكوم نمودند. و جالب اين كه اكثر اين زنان، كسانى بودند كه شوهرانشان در سپاه كوفه، بر عليه امام به مبارزه پرداخته بودند كه در ذيل به چند نمونه از آن‏ها مى‏پردازيم.

- زنى از قبيله بنى بكر

بعد از ظهر عاشورا، زنى از قبيله بنى بكر كه همسرش در لشكر عمر بن سعد بود، از وضعيت اسراء متأثر شده، شمشير به دست مى‏گيرد و به سوى سپاه كوفه هجوم مى‏برد و به قوم خود مى‏گويد: «اى آل بكر! دختران رسول خدا را غارت كنند، در حالى كه جز خدا پناهگاهى ندارند؛ براى خون‏هاى رسول خدا(صلى‏الله‏عليه‏وآله) قيام كنيد.»

همسرش او را از آن كار منع كرد و به اردوگاه باز گرداند.7

- زنان بنى اسد

پس از پايان جنگ، بدن‏هاى مطهر شهدا بر روى زمين تفتيده كربلا مانده بود، و هيچ كسى جرأت نداشت كه براى دفن و كفن اجساد قدم بردارد؛ چرا كه طبق دستور عمر سعد، مأمورى بر بدن‏ها گمارده شده بود. در اين وضعيت، زنان قبيله بنى اسد كه در نخلستان‏هاى نزديك كربلا بودند، با بيل و وسايل ديگر، به سوى ميدان هجوم بردند. مردان آن‏ها با ديدن حركت شجاعانه زنان، به كمك آمدند و به كفن و دفن شهيدان پرداختند.8

- ام عبدالله‏

او همسر «مالك بن نسير» بود. شوهر او در روز عاشورا با شمشير بر سر مبارك امام ضربتى زد و عرقچينى كه بر سر امام بود، پاره شد و امام مجروح گرديد. پس از جنگ، او عرقچين را به خانه آورد و به همسرش داد تا آن را بشويد. اما ام عبدالله گفت: «به غارت رفته پسر دختر پيغمبر(صلى‏الله‏عليه‏وآله) را به خانه آورده‏اى؟ آن را از پيش من ببر.»9

و اين زن، بدين گونه اعتراض خويش را به عمل قبيح كوفيان و همسرش اعلام داشت.

- نوار همسر خولى‏

پس از آن كه خولى بن يزيد اصبحى سر مبارك امام را براى كسب جايزه به كوفه آورد، ابتدا آن را به خانه برد. همسرش در نهايت اعتراض، شوهرش را طرد و نسبت به او ابراز انزجار نمود. سپس به حياط رفت و نزديك سر مبارك امام تا صبح بيدار نشست. در كتب تاريخى، از مشاهدات وى در اين شب، نسبت به حضور فرشتگان براى تكريم و تقديس سر مبارك امام مطالبى آمده است.10

- زنان آل ابى سفيان‏

سخنرانى‏ها و خطابه‏هاى پر شور حضرت زينب(عليهاالسلام)، در مجلس ابن زياد و يزيد، موجب گرديد كه زنان آل ابى سفيان از اين واقعه متأثر شده، مراسم نوحه سرايى و گريه و شيون براى امام حسين(عليه‏السلام) و يارانش بر پا دارند.11 و بدين ترتيب، انزجار و اعتراض خويش را نسبت به عمل مردان ناجوانمرد خود اعلام دارند.

- هند همسر يزيد بن معاويه‏

پس از افشاگرى زينب كبرى(عليهاالسلام)، هند كه از واقعه تلخ عاشورا سخت متأثر و ناراحت شده بود، به همسرش در مورد به شهادت رساندن امام حسين(عليه‏السلام) اعتراض نمود و گفت: «اى يزيد! آيا تو دستور داده‏اى سر حسين فرزند رسول خدا را از تن جدا كنند و بالاى نيزه برند؟ آيا تو فرزند فاطمه را كشتى؟»

يزيد مضطرب شد و براى گريز از كارى كه كرده بود، گفت: «... خدا بكشد ابن زياد را كه او را كشت، من به كشتن او راضى نبودم.»12

نكته قابل تأمل در اين مطلب، انزجار هند، همسر يزيد، از حركت شوم همسرش مى‏باشد كه با اين اعتراض، ضربه سختى بر حكومت شوهر خود وارد كرد.

اين‏ها نمونه‏هايى از واكنش زنان كوفه و شام به عملكرد مردانشان بود. اما بانوان ديگرى هم با كردار خويش، در جبهه‏اى تبليغى به مبارزه عليه آل ابى سفيان پرداختند. ايشان از همراهان و پيروان امام حسين(عليه‏السلام) بودند، كه با اقدامات هوشيارانه، اعتراض خويش را بيان نمودند.

- رباب همسر امام حسين(عليه‏السلام)

رباب همسر امام حسين(عليه‏السلام)، دختر «امرء القيس بن عدى بن اوس» بود. او در كربلا حضور داشت و شاهد شهادت همسر و فرزند شير خواره‏اش على اصغر بود. وى پس از كربلا و اسارت، در مدينه ساكن شد.13

در برخى روايات آمده است كه در بازگشت اسرا به مدينه، رباب دستور داد تا سقف خانه‏اش را بردارند و خود و دخترش سكينه، در خانه بى سقف روزگار گذراندند. چون به او گفته مى‏شد كه از زير آفتاب سوزان برخيز. با گريه و شيون مى‏گفت: من با چشمان خود حسين(عليه‏السلام) را ديدم كه گرمى آفتاب، بدن او را مى‏گداخت.14

و اين خود نوعى مبارزه و قيام عليه ستم يزيد و عمّالش بود. رباب با اين حركت، به تحريك احساسات و عواطف مردم پرداخت، تا زمينه را براى قيام‏هاى ديگر مردمى فراهم سازد.

- زنان مدينه و بنى هاشم

بعد از واقعه كربلا، زنان مدينه، بر سر قبر رسول خدا(صلى‏الله‏عليه‏وآله) رفتند و مراسم عزادارى برپا نمودند.15

آنان بدون هيچ هراسى از دستگاه حاكمه، با شور و شعور، دست به اقدامى مهم زدند. آنان با رفتن بر سر قبر پيامبر(صلى‏الله‏عليه‏وآله)، با زيركى و تيزبينى، به همه نشان دادند كه اين فرزند رسول خداست كه به شهادت رسيده است. و پس از آن تا يك سال، روز و شب، در مدينه نوحه سرايى مى‏كردند.16

امام صادق (عليه‏السلام) نيز در اين زمينه مى‏فرمايند: پس از واقعه كربلا، هيچ زن هاشمى، سرمه به چشم نكشيد و خضاب نكرد. دودى نيز از خانه بنى هاشم برنخاست تا پنج سال كه عبيدالله بن زياد كشته شد.»17

و اين نشانگر نقش اساسى و مهم زنان در حفظ و تداوم نهضت حسينى بود. اينان با عزادارى‏هاى پى در پى، در حقيقت، به مبارزه عليه حكومت بيدادگر يزيد برخاستند و با حركت‏هاى مثبت كه در نهايت لطافت و ظرافت انجام مى‏شد، در اذهان تأثير به سزايى گذاشتند.

زنان انصار 18 نيز به همراهى زنان بنى هاشم، زمينه را براى شروع مبارزاتى نو بر ضد دستگاه بنى اميه فراهم ساختند، و با شعور دينى و سياسى خويش، گامى بلند در احياى نهضت عاشورا برداشتند.

2- نقش سخنرانى و خطابه‏هاى زنان پس از قيام‏

علاوه بر اقداماتى كه زنان در عرصه عمل انجام دادند، خطابه‏ها و سخنرانى‏هاى بانوان هاشمى را مى‏توان مهمترين عامل براى روشنگرى مردم و براندازى حكومت يزيد دانست؛ چرا كه اگر نبود اين افشاگرى‏ها، جامعه خفته آن روز متحول نمى‏گرديد و نداى حق‏طلبى و ستيز عليه ستم، بلند نمى‏شد.

همان گونه كه گذشت، امام سجاد (عليه‏السلام) و زينب كبرى (عليهاالسلام) بزرگترين نقش را در اين زمينه ايفا كردند. آن‏ها با اخطارها، هشدارها و بيدار باش‏ها، ضربه سنگينى بر آل اميه وارد نمودند. اما ديگر زنان هاشمى نيز كه در نهايت فصاحت و بلاغت بودند، نقش مهمى در خنثى‏سازى تبليغات مسموم اموى داشتند. زنانى چون ام كلثوم 19 و فاطمه صغرى دختر20 امام حسين(عليه‏السلام) و... .

نكته قابل ذكر اين كه طبق آمار تاريخى، 21 زن در روز عاشورا، از سپاه و كاروان امام حسين به اسارت درآمدند، كه از اين عده 6 نفر غير هاشمى و بقيه، زنان بنى هاشم بودند.21

اسارت اين بانوان اگر چه اجبارى و ناخواسته بود، ولى آن‏ها را در موقعيتى قرار داد كه توانستند پيام خود را به گوش مردم برسانند. آنان هر جا رسيدند، از فرصت‏ها سود جسته، وقايع كربلا را بازگو كردند.

خطبه‏هاى پرنفوذ اين بانوان بزرگوار، كه مصداق نيكوى امر به معروف و نهى از منكر است، چنان تأثيرى بر اذهان خفته مردم گذاشت كه زمينه ساز تحولاتى عظيم و قيام‏هايى چون قيام توابين و قيام مختار گرديد.

علاوه بر آن، اين سخنرانى‏ها و روشنگرى‏ها، دستاوردهاى مهم ديگرى نيز داشت كه رسوا ساختن دستگاه حاكم، دادن روح مقاومت و ايستادگى به مردم، ايجاد وحدت و يكدلى در بين مردم جهت مبارزه و قيام، بيدارى افكار و انديشه‏ها، تهيه عوامل سقوط رژيم، توسعه معارف اسلامى، ايجاد ارزش‏هاى اخلاقى جديد و... از جمله اين دستاوردهاست.

تأمل درباره شخصيت و موقعيت هر يك از اين زنان، مى‏تواند عظمت و بزرگى اقدامات شايسته آنان را جلوه‏گر نمايد و درسى باشد براى زنان در عصرهاى مختلف، براى وصول به اهداف عاليه اسلام.

پى‏نوشت‏ها:

1- مرتضى مطهرى، حماسه حسينى، ج 1، ص 289.

2- ر.ك: سيد بن طاووس، لهوف، ص 165.

3- ر.ك: همان، ص 202.

4- ر.ك: هاشم معروف الحسنى، جنبش‏هاى شيعى در تاريخ اسلام، ص 522؛ حسين عماد زاده، حضرت زينب كبرى، ص 150.

5- همان، ص 522.

6- همان.

7- فاطمه رجبى، زن در حماسه كربلا، ص 70.

8- همان، ص 74.

9- محمد بن جرير طبرى، تاريخ طبرى، ج 7، ص 3055.

10- حاج شيخ عباس قمى، نفس المهموم(ترجمه فارسى)، ص 478.

11- محمد بن جرير طبرى، همان، ص 3080؛ حاج عباس قمى، منتهى الآمال، ج 1، ص 433.

12- همان، ص 3079.

13- حسين عمادزاده، همان، ص 307.

14- هاشم معروف الحسنى، همان، ص 522.

15- حاج شيخ عباس قمى، منتهى الآمال، ج 1، ص 344.

16- همان، نفس المهموم، ص 302.

17- همان، ص 604.

18- ر.ك: هاشم معروف الحسنى، همان، ص 528.

19- ر.ك: سيد بن طاوس، لهوف، ص 178؛ على نظرى منفرد، قصّه كربلا، ص 438.

20- ر.ك: همان، ص 172.

21- على نظر منفرد، همان، ص 405.